

شایسته‌سالاری مدرن در دولت‌های مجازی

محمد ملکی^۱

دکتر روح اله رحیمی^۲

چکیده

امروزه بحث دولت‌های مجازی بسیار مورد نقد و نظر قرار گرفته است. در متون پژوهشی دانشگاهی داخلی هنوز به تعریف استاندارد لازم و تحلیل و نقد دقیقی از دولت مجازی نرسیده‌ایم. متأسفانه متون ترجمه‌شده‌ی کافی هم از تحلیل‌های حقوقی و سیاسی خارجی در سطح دانشگاهی داخلی پیدا نمی‌شود. نه اینکه نباشد! هست اما کافی نیست. النهایه، مفهوم دولت‌های مجازی از وقتی مورد چالش جدی قرار گرفت که خود دولت‌ها به دستاوردهای مجازی‌شان در زمینه اعمال حاکمیت در جامعه، مشکوک شدند. یکی از این ابرچالش‌ها، بحث استفاده و سوءاستفاده از قدرت و موقعیت بسیار شکننده‌ی دولت مجازی در ارتباط با بحث تقابل آزادی‌های مردم و امنیت ملی بوده و هست.

دولت مجازی، ساختاری منسجم و به‌هم‌پیوسته را لازم دارد که ۴ رکن اخلاق، ارتباطات، اقتصاد و یگانگی را در همه‌ی ابعاد خود داشته باشد. دهکده‌ی سبز جهانی، جهانی منسجم و مرفه و اخلاق مدار است که به وسیله دوربین‌های دیجیتال، اینترنت پرسرعت، پردازشگرهای قوی، نرم‌افزارهای منظم و کاربردی هدایت می‌شود. دشمنانش، بدافزارهای مخربی است که به وسیله افکار پلید سارقان اطلاعات طراحی و با اثرگذاری بر کارکرد همه دستگاه‌های الکترونیک ادارات، بانک‌ها، مردم، سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی، رسانه‌ها و ... ابتدا اخلاق و هویت مردم را هدف قرار می‌دهند، سپس جیبشان را می‌زنند و آنگاه به تخریب سیستم‌های محافظت‌کننده امنیت عمومی رو می‌آورند.

واژه‌های کلیدی: ابرمستبدین مجازی، چکمه‌های سلیکونی، زندان‌های رایانه‌ای، بدافزارهای تبهکار.

1. mohammad.maleki51@yahoo.com

2.rahimi.mehr48@yahoo.com

۱. مقدمه

در قرن بیستم میلادی که عمده تلاش حاکمان بر توسعه نقش اقتصادی و مدیریتی دولت‌ها بود، نظام‌های اقتصادی و سیاسی دوگانه‌ای شکل گرفت و اساس حاکمیت بر توسعه مدیریت دولت‌ها و اقتصادها استوار گردید. کشورها به دنبال افزایش محدوده مرزهای جغرافیایی خود بودند و بزرگان سیاست به دنبال جاودانگی خورشید در قلمرو و تحت سلطه خود حرکت می‌کردند. وظایف سنتی دولت‌ها که به‌طورکلی در طول تاریخ با کمی تغییر دارای اصول ثابت و اولیه بود، محک محکمی از توانمندی سردمداران تلقی می‌شد. حفظ امنیت داخلی، حفظ سرحدات خارجی و درنهایت حفظ ارزش پول ملی، سه رکن اصلی وظایف حاکمان برشمرده می‌شد (مرتضوی، ۱۳۸۰). به تدریج و در آستانه قرن جدید وظایف مدرن نیز به این حوزه افزوده شد که شاید مهم‌ترین آن‌ها تعریف و حفظ استانداردها، تعریف حقوق مالکیت اعم از معنوی و مادی و درنهایت تضمین حقوق مالکیت کارآمد را بتوان نام برد. با این حساب دولت‌ها به دنبال ایجاد استانداردهای مختلف در امورات جاری برآمده تا روابط انسان‌ها با یکدیگر در تمام شئون از یک الگوی تقریباً یکسان و قابل مدیریت پیروی کند.

به تدریج و با توسعه ارتباطات، جهانی شدن این قواعد و قوانین نیز از الزامات غیرقابل چشم‌پوشی درآمدند، لذا شاهد ایجاد اتحادیه‌ها و تشکل‌های جهان‌شمول در زمینه‌های گوناگون شدیم که برخی از آن‌ها قدیم‌تر و برخی جدیدتر به این قافله پیوستند. مثلاً در بعد اقتصادی، ملاحظه می‌شود که تمام کشورها به دنبال بهره‌وری بیشتر و بهتر از ذخایر و منابع خدادادی خود هستند تا بر اساس ایجاد شفافیت در نظامات اقتصادی خود، زمینه‌ساز گسترش عدالت و تضمین توزیع فرصت‌های برابر برای همه شوند. به‌نوعی از سازوکار نظام اقتصاد سرمایه‌داری یا لیبرال به بسط و گسترش عدالت که شاخصه اساسی نظام اقتصادی سوسیال می‌باشد، می‌رسند. روابط حاکم بر مراودات مالی و پولی در سطح جهانی از الگوهای یکسان و مشترکی تبعیت نمی‌کنند زیرا که در تمام دنیا، به یک شکل و ماهیت قابل اجرا و پیگیری نیستند. ولی همان‌گونه که همه‌ی ارکان ارتباطی جوامع مختلف تحت تأثیر شرایط جدید قرار گرفته‌اند، اقتصاد کلان جوامع نیز به همدیگر نزدیک و نزدیک‌تر شده‌اند به‌گونه‌ای که اکنون قریب اتفاق کشورهای دارای جوامع آزاد و تقریباً دموکراتیک، از سیستم اقتصاد باز یا سرمایه‌داری لیبرال ولی تحت سیطره و نفوذ چشمه‌ای همیشه بیدار رسانه‌ها و مردم استفاده می‌کنند؛ اما علیرغم وجود تجربه این کشورها، باز هم هستند برخی از جوامع عقب‌مانده و تحت سلطه که عمدتاً ساختارهای مستبدانه و غیردموکراتیکی دارند و شعار اقتصادهای مبتنی بر عدالت و مقاومت در برابر فشار اقتصادی کشورهای بزرگتر سر می‌دهند و در عوض بجای توزیع و بسط عدالت اجتماعی و رفاه عمومی، فقر و فلاکت را به‌طور گسترده در بین نود درصد مردم گسترش داده و اصل ثروت در دست یک طبقه قرار گرفته است. در چنین جوامعی وجود رسانه‌های آزاد برای زیرنظر گرفتن تمامی فعالیت‌های عمومی اقتصادی دولت و وابستگان به دولت، بیشتر شبیه یک سیرک می‌ماند؛ زیرا همان ده درصد صاحب منصبان، خودشان صاحب رسانه‌اند. با افزایش حجم مبادلات، قوانین گسترده‌تر شده و دولت‌ها هر روز بزرگ‌تر می‌شوند،

نظارت‌های بیشتر و به همان میزان ناکارآمدی رشد می‌کند، باعث مختل شدن فرآیندهای متعدد و به‌هم‌پیوسته دولتمداری می‌شود. تصور کنید در جامعه‌ی تحت حاکمیت یک دولت مجازی، همه چیز به اقتصاد و پیشرفت مادی و بالارفتن سهام بستگی دارد. یک دولت مجازی، حاکم بر کل یک جامعه نیست. بلکه حاکم بر مجموعه‌ای از انسان‌هاست که در جوامع مختلف زندگی می‌کنند (توحیدفام، ۱۳۸۲). حاکمانش، سهامدارانی از چهارگوشه دنیا هستند. مردمانش ساکنین کل کره‌ی زمین‌اند. دولت مجازی همیشه باید به فکر پیشرفت مادی و توسعه‌ی معنوی و بالا رفتن سود سهامش باشد. هر بخشی از دولت مجازی، نتواند یا نخواهد که کارش را به درستی انجام دهد یا تقلب کند، شک نکنید که این دولت مجبور به فروپاشی و تجزیه و انحلال است. دولت مجازی، همه‌ی ابعاد وجودی انسان‌های تحت حاکمیت خویش را، توسط پهنای باند اتوبان‌های فرضی، به هم متصل می‌کند. تصویر ظاهر و پنهان آدم‌ها، رنگ افکار انسان‌ها، طول و اندازه‌ی احساسات و عواطف نوع بشر، نیازها و رازها، توسط دستگاه‌های لیزری، به صورت شبانه‌روز، تجزیه و تحلیل می‌شود تا مبادا یکی از افراد جامعه، چیزی دلش بخواهد که مورد تأیید حاکمان دولت مجازی نباشد؛ زیرا هر اقدام نسنجیده باعث افت قیمت سهام و سپس ریزش سهام و ریزش سهام هم مانند مرگ‌ومیر انسان‌ها در حاکمیت دولت‌های واقعی است. دولت‌های مجازی یا همان داده‌های از پیش تعیین‌شده توسط ابر اذهان سیاستمدارانی که دیگر به فکر انتخاب شدن نیستند. سیاستمداران و حاکمان دولت‌های مجازی کتاب نمی‌خوانند و کتاب نمی‌نویسند. در تالارهای بزرگ سخنرانی نمی‌کنند. مصاحبه نمی‌کنند. اصلاً دیده نمی‌شوند. کسی آن‌ها را نمی‌شناسد. آن‌ها برنامه می‌نویسند. دوربین‌ها را کنترل می‌کنند و نرم‌افزارهای مختلف بانکی، اداری، خدماتی، فرهنگی، علمی و حتی بهداشتی و درمانی را طراحی و اجرا می‌کنند تا سهامداران دول مجازی حفظ شوند. حفظ سهام مانند حفظ جان انسان‌هاست. ورود سهامدار جدید، مثل زادوولد نو در واقعیت است. افزایش قیمت سهام، مانند بالا رفتن تولید ناخالص ملی یک دولت واقعی است (روزکرانس، ۱۳۷۹).^۱ در این مقال به زوایای کوچکی از تعریف و توصیف اولیه دولت‌های مجازی نگاهی میندازیم و اجبار یا اختیار جوامع مختلف نسبت به پیوستن به این فرآیند سریع را مورد بحث قرار می‌دهیم. تعریفش می‌کنیم. مشخصاتش را می‌شماریم و مقایسه‌اش می‌کنیم با جهان واقعی.

۲. تفاوت دولت‌های مجازی با دولت‌های هوشمند و الکترونیک

دولت الکترونیک، دولت هوشمند، حکمرانی خوب و دولت خوب، چهار مفهوم نزدیک به هم‌اند که عدم تبیین حدود و ثغور مفهومی آن‌ها، موجب خلط معنایی آن با دولت مجازی خواهد شد، از این‌رو، به عرضی تعریف از آن‌ها، می‌پردازیم:

اول دولت الکترونیک که عبارت است از کاربرد فضای مجازی و تغییر ساختار و عملیات داخلی و خارجی دولت به منظور امکان تبادلات الکترونیکی مابین بخش‌های مختلف دولت، مردم ... و ارائه خدمات عمومی یکپارچه و با کیفیت به شهروندان، کسب‌وکارها و صنعت، افزایش میزان دسترس‌پذیری شهروندان به خدمات، توانمندسازی شهروندان از طریق دسترسی به اطلاعات و به تبع آن، افزایش اختیار مردم، مشارکت مردم، تقویت دانش جامعه، افزایش ابتکارات نوین، بهبود کارایی و اثربخشی دولت و افزایش میزان پاسخگویی دولت به شهروندان، کنترل و نظارت بهتر، ضمانت اجرای هماهنگ‌تر و قوی‌تر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶).

دوم دولت هوشمند که با استفاده از روش فرا ترکیب عبارت است از ترکیبی خلاقانه از فن‌آوری‌های در حال ظهور و نوآوری در بخش دولتی و هماهنگ‌سازی فرآیند رو به گسترش تکنولوژی‌های تازه و نیازهای جامعه، پیاده‌سازی این تکنولوژی‌ها در بخش‌های مرتبط با خودشان و نهایتاً اعمال حاکمیت خلاقانه.

سوم حکمرانی خوب، نگاهی نو یا شیوه‌ی جدیدی از حکومت کردن است که در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی برای تأثیرگذاری بر عملکرد اقتصادی کشورها در چند ویژگی مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی یا عدالت، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری و توجه به محیط‌زیست مطرح کرد؛ اما به سرعت این ایده به حوزه سیاست تعمیم یافت و تغییراتی نه‌چندان اساسی در این ویژگی‌ها از جمله ثبات سیاسی و کنترل فساد، اتفاق افتاد. اگر حکمرانی بد را با مشخصاتی چون شخصی نمودن قدرت، فقدان حقوق بشر، فساد نهادینه‌شده بومی، غیرپاسخگو و غیرمنتخب مترادف بدانیم، حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری (نراقی قاسمی، ۱۳۹۱).

چهارم دولت مطلوب را دولتی دانسته‌اند که دولتی تازه و بدون فساد و عملگراست و به لحاظ ساختاری، نظارتی و تعاملی است و از ویژگی‌هایی چون تجویزی و تبیینی برخوردار است اما این تعریف، با مقصود ما در این مقاله، فاصله دارد. علی‌الاصول دولت مطلوب مفهومی دینی یا ایدئولوژیک دارد (مدینه‌فاضله) درحالی‌که مقصود ما در تعریف از دولت مطلوب، دولت خوب است. دولت خوب را اغلب به معنای حکمرانی خوب به کار می‌برند اما حکمرانی، فراتر از دولت است از آن‌رو که همه نهادهای جامعه در قوه مجریه، به‌مثابه دولت، خلاصه نمی‌شوند و سایر نهادها نیز، در روند اداره یک کشور، سهم‌اند، از این‌رو، دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب

است. دولت الکترونیک، دولت هوشمند، حکمرانی خوب و دولت مطلوب علی‌رغم شباهت‌ها، تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای با دولت مجازی دارند که پس از این، بدان می‌پردازیم (فرجی، ۱۳۹۶).

۳. منظور از دولت‌های مجازی چیست؟

ایده دولت مجازی، به ریچارد روزکرانس تعلق دارد. ریچارد یک دانشمند علوم سیاسی اهل ایالات متحده آمریکا است. وی از جمله نظریه‌پردازانی است که به بررسی جنگ و صلح در حوزه روابط بین‌الملل و همچنین رابطه آن با اقتصاد می‌پردازند. روزکرانس هم‌اکنون کرسی استادی سیاست‌گذاری عمومی در مدرسه حکمرانی جان اف. کندی^۱ دانشگاه هاروارد را داراست (<https://www.hks.harvard.edu>).

به اعتقاد ریچارد روزکرانس شکل‌گیری دولت مجازی که قابلیت تولید وابسته به زمین در آن کاهش یافته نتیجه منطقی‌رهایی از قید سرزمین است. نقطه آغازین دولت مجازی ظهور پدیده‌ای با عنوان دولت سودگرا است. بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای پیشتازی مثل ژاپن و آلمان به جای نظارت بر سرزمین و قلمرو تلاش خود را صرف افزایش سهم خود در تجارت جهانی نمودند. امروزه سفیران دولت‌ها به نمایندگان بازرگانی خارجی و سرمایه‌گذاری تغییر صورت داده‌اند. روزکرانس ادامه می‌دهد: تحولات تجاری و تکنولوژی، دولت مدرن را به دولت مجازی تغییر داده است. روزکرانس معتقد است:

دولت دیگر نخواهد توانست مشکلات مهم را حل کند و در این شرایط مردم به این فکر خواهند افتاد که شاید سازمان‌های وظیفه‌شناس فرهنگی، قومی، سیاسی دیگری وجود داشته باشند که بیشتر از دولت به آن‌ها شعور جمعی و حس پشتیبانی بدهند (روزکرانس، ۱۹۷۴)^۲.

او در کتاب «پیدایش دولت مجازی، ثروت و قدرت در آینده»، از دولت مجازی سخن گفته است. پرداختن به کلیاتی از آنچه روزکرانس در این زمینه، گفته است، هم تعریف از دولت مجازی را شفاف‌تر می‌کند و هم آن را در قالب چارچوب نظری برای این مقاله تبیین می‌نماید. روزکرانس در دولت مجازی درصد پیوند زدن اقتصاد و ارتباطات است. اقتصاد و ارتباطات در قلمرو علایق و تخصص وی قرار دارد. او در دولت مجازی در پی دستیابی و ارائه به شیوه‌ها و مبانی تحول در زندگی خصوصاً امروز جامعه جهانی است لذا با پذیرش مرزهای سرزمینی و پیدایش دولت‌ها در قلمروهای مرزی مشخص و معین آن را به‌مثابه یک بازیگر بین‌المللی ترسیم می‌کند که دارای تأثیرات جهانی است. وی در نظریه دولت مجازی، ضمن تأیید وقوع تغییر در ماهیت دولت‌ها، تصویری تازه از نقش آن در روابط بین‌المللی ارائه می‌کند. روزکرانس در دهه ۱۹۹۰ وقوع چنین تغییری

1 John F. Kennedy School of Government

2 Richard Rosecrance

را در سطحی از جهان تشخیص داد و سرایت آن در دیگر مناطق جهان را در آینده نه‌چندان دور پیش‌بینی کرده است. دولت مجازی نوع جدیدی از دولت را ترسیم می‌کند که توسعه آن حاصل اجتناب‌ناپذیر رویه‌ی رو به رشد فضای مجازی است؛ به عبارت دیگر می‌توان آن را نتیجه ترکیب افزایش حیرت‌آور فناوری ارتباطات و اطلاعات و اهمیت یافتن اقتصاد و تجارت در عرصه بین‌المللی و فراتر رفتن دایره فعالیت‌های مالی اقتصادی و اطلاعات تکنولوژیک از مرزهای ملی و منطقه‌ای دانست. از این‌رو دولت مجازی را باید دولتی دانست که حوزه تلاش‌های تجاری- اقتصادی را به همه جهان توسعه می‌دهد و اگر فضای مجازی به مفهوم کلانش وجود نداشت، دولت جدیدی به نام دولت مجازی شکل نمی‌گرفت. البته دولت مجازی تفاوت ماهوی با دولت مدرن ندارد. بلکه به ابزاری جهت کارآمدسازی دولت مدرن تبدیل می‌شود. در واقع دولت مجازی موجود تازه و واقعیت‌انکارناپذیری است که نخست در کشورهای توسعه‌یافته ظاهر شده است اما در حال گسترش به همه جهان است. دولت مجازی با حفظ کنشگری دولت به عنوان مهم‌ترین کنشگر فعلی، تنها بر تغییری که در ماهیت و نوع فعالیت دولت اتفاق می‌افتد تأکید می‌کند (شاه و یسی، ۱۳۹۵).

در دنیای جدیدی که به پیش‌بینی رزکرانس^۱، دولت مجازی نقطه‌ی ثقل آن را تشکیل می‌دهد، از خطر منازعه کاسته می‌شود و امکانات بیشتری برای همکاری و همزیستی فراهم می‌آید و با عنایت به محوریت اقتصاد در آن نوعی دموکراسی اقتصادی بر بستر ارتباطات شکل می‌گیرد که در آن مناقشه بر سر سلطه سیاسی و مرز جای خود را به تلاش برای کسب تولید و بازار فروش بیشتر و عرضه بهتر خواهد داد. لذا دولت مجازی به ابزار نیرومندی برای فائق آمدن بر نارضایتی کارکنان دولتی و کارگران خصوصی تبدیل می‌شود. به آن دلیل که با توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و جذب بیشتر سرمایه‌های خارجی، در حفظ تورم پایین، افزایش تولید، تقویت پول ملی و ارتقای فنی نیروی کار و آموزش دیده، شرایط برای تولید ارزان‌تر و باکیفیت‌تر با هزینه کمتر و همچنین رفاه و امنیت شغلی بیشتر فراهم خواهد شد.

در این صورت دولت مجازی نه یک واحد سیاسی، بلکه یک کشور است؛ که سرزمینش را بر مبنای ظرفیت تولید، کوچک نموده و بازار جهانی را به کسب سرزمین ترجیح می‌دهد. تا به جای ماشین و سرمایه مادی، متکی به آموزش و سرمایه انسانی باشد. در دولت مجازی، دولت دیگر مثل گذشته حاکم بر منابع نیست و به جای آن، تلاش دارد سرمایه و نیروی کار خارجی و داخلی را برای ورود به فضای اقتصادی خود تشویق کند. دولت مجازی به این دلیل به تولید در خارج اقدام می‌کند که بتواند در داخل به سطح بالاتری از خدمات از قبیل تحقیق و توسعه، تولید و طراحی، مسائل مالی، بازاریابی و حمل‌ونقل، دست یابد. منطق اقتصادی این دولت، افزایش بهره‌جویی از طریق کوچک کردن مولدها است. روند شکل‌گیری دولت مجازی به دلیل رویکرد شرکتی و

تجاری، نشان از فضای توأم با صلح را گواهی می‌دهد. البته ممکن است دولت مجازی نتواند مشکلات داخلی کشورها را به کلی حل کند؛ اما قراردادهای اقتصادی که این دولت‌ها با سایر دولت‌ها می‌بندند، به حل آسان‌تر مسائل داخلی آنان کمک خواهد کرد. دولت مجازی در رقابت اقتصادی بین‌المللی، سرمایه انسانی را ابزاری می‌داند که به وسیله آن خود را از محدودیت‌های جغرافیایی رها ساخته و به واسطه آموزش مناسب، قادر به تغییر آینده اقتصادی و صنعتی خود می‌شود. از آنجا که تحول در ساختار با تحول در کارگزار و یا نگرش همراه است، شکل‌گیری دولت مجازی منوط به حضور نخبگان و حاملان انقلاب اطلاعاتی و یا عاملان توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش به‌مثابه بازیگران نرم‌افزاری جدید است (قبرلو، ۱۳۹۵). در فضای فرهنگی دولت مجازی که متکی بر واقعیت‌های مجازی است، بازیگران سیاسی به منظور حضور در صحنه و تأثیرگذاری بر روند تحولات، ناگزیرند از رسانه‌های حامل نمادهای الکترونیک به خصوص تلویزیون به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند. از دیگر مؤلفه‌های دولت مجازی، ماهیت شبکه‌سازی و مدیریت منابع متحرک و سیال قدرت است. وظیفه دولت مجازی در این راستا، عبارت است از مدیریت و هدایت منابع قدرت جهانی، تشویق و ترغیب و هماهنگی فعالیت‌ها، تدوین استراتژی اقتصادی نه در منابع سنتی، مانند صنعت و معدن و کشاورزی، بلکه در زمینه‌هایی چون خدمات پژوهشی و فنی و تعلیم نیروی کار خلاق و کارآفرین. به‌طور خلاصه آنچه که از این گفتمان و سایر مطالب مرتبط با آن دریافت می‌شود، این است که دولت مجازی ساختاری منسجم با هویت‌های مختلف، منظم و هماهنگ با اصطکاک‌های شدید، گسترده و پهن‌آور به‌اندازه‌ی کل زمین و مدام در حال تغییر است که شبیه یک سازمان، شرکت، یا سازمان غیردولتی مردم‌نهاد^۱ می‌باشد. شهروندان این دولت مجازی، سهامداران و اعضای آن هستند. هدفشان والا و روبه‌جلو تعریف شده است. در تمامی کشورهای جهان گسترش می‌یابند. حدودمرزی نمی‌شناسند (رحمت الهی، ۱۳۹۰).

۴. رویکردهای بومی و غیربومی حاکم بر نظریه دولت مجازی

با نگاهی به شرایط حاکم بر جامعه ما و منطقه خاورمیانه، نمی‌توان از یک الگوی مشترک و برگرفته از تعاریف روزکرانس - شناخته‌شده‌ترین اندیشمندی که دولت مجازی را معرفی نموده است - در مورد دولت مجازی استفاده کرد (سلیمی، ۱۳۹۰)؛ زیرا عموماً کشورهایی که وابستگی عمیق احساس و عاطفی به خود و افراد نزدیک‌تر دارند، تعلق خاطر قومی، نژادی، دینی و فرهنگی دارند، حاکمیت بلامنازع قانون و دموکراسی را تجربه نکرده‌اند و بندرت در جناح اقلیت حاکم، حرف اکثریت محکوم را می‌پذیرند. در این دسته از کشورها، یک دولت مجازی که بر پایه اخلاق، علم، پیشرفت و توسعه و اقتصاد بنا نهاده شده و بدون توجه به شکل ظاهری انسان، تمایل دارد تا از افکار،

دانائی و سرمایه‌ی هویتی او استفاده کند و به گسترش سازمان بنیادی خود یا سهام اقتصادی خود پردازد، خیلی نمی‌تواند موفق باشد؛ زیرا تعلقات خاطر احساس و عاطفی انسان‌ها که قرار است مبنای توسعه در دولت مجازی باشند، بسیار قوی‌تر از تعلقات عقلانی می‌باشد. دلایل زیاد دیگری هم وجود دارد که اجازه نمی‌دهند تئوری‌های نو را به همان شکل که ارائه اولیه می‌شوند در سایر نقاط جهان، به جز نقطه تولد یا نقطه هدف اولیه، به اجرا گذاشت. در ادامه به سه مورد از دلایل پیش گفته می‌پردازیم (فریدمن، ۱۹۹۳).^۱

۴-۱. خصیصه فرامرزی

همان‌گونه که اشاره شد دولت مجازی نظریه‌ای است که روزکرانس آن را برای جوامع غربی، پیش‌بینی کرده است. از آن رو که شکل‌گیری این دولت. بر دو پایه پیشرفت‌های اقتصادی و ارتباطی از یک‌سو و خلاقیت در سازمان‌دهی بازارها با استفاده از تغییرات سریع تکنولوژی جهت تأمین نیاز مشتریان و خلق ثروت از سوی دیگر استوار است که حجم زیادی از آن دو، در غرب وجود دارد اما همان‌گونه که روزکرانس، پیش‌بینی کرده دولت مجازی همانند هر دولت مدرن دیگری و به دلایل زیادی چون نیاز به بازار مصرف، مواد اولیه، کارگر ارزان و با عنایت به سرشت نرم‌افزاری، به شکل پلکانی و مرحله‌ای به دیگر کشورهای جهان، گسترش می‌یابد یا صادر می‌شود (روزکرانس ۱۹۹۶)^۲. در واقع، در دنیای امروز هیچ چیزی در غرب اتفاق نمی‌افتد که بخواهد فقط در آن باقی بماند. ابر غول‌های اقتصادی مثل شرکت اپل در آمریکا یا هوواوی در چین را تصور کنید که چگونه در تمام جهان گسترش یافته‌اند؛ اما گسترش روزافزون آن‌ها به دلایل مختلف در ۵ قاره گیتی به نحوی است که هرکدامشان یک ابر کشور بی‌مرز و بی‌شمار جمعیت هستند. این دولت مجازی شرکت اپل است که صدها هزار کارگر و کارمند و مدیر و سهامدار و ناظر و بازرس و نهایتاً مصرف‌کننده دارد. اگر استیو جابز^۳ را به عنوان بنیانگذار اپل، یک ابر رهبر دولت مجازی بدانیم، سایر میراث‌داران و سهامداران و مدیران اپل، هیئت حاکمه آن هستند و کارمندان و کارگران نیز بدنه‌ی دولت، ناظران و بازرسان، سیستم قضایی و انتظامی دولت و مصرف‌کنندگان نیز اهالی آن دولت هستند. این دولت نه مرز دارد نه سرشماری می‌کند که بدانیم جمعیتش چقدر است. هر قدری که استفاده از محصولاتش بیشتر و مشتریانش اضافه شوند، دفاتر نمایندگی و کارخانه‌های جدید در کشورهای جدید، مدیران جدید، به وجود می‌آیند و این دولت مجازی هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. گاهی نیز برعکس می‌شود. سهام یک شرکت فروخته می‌شود. سهامداران جدا می‌شوند؛ یعنی دولت مجازی تجزیه می‌شود به دول متعدد یا ادغام میشوند یا محو و نابود می‌شوند. فلذا، هرگاه پررنگ شدن مرزهای جغرافیایی در اولویت قرار گرفت، بحث گسترش دولت مجازی رنگ می‌بازد. تصور کنید که بهترین شرکت آب شیرین کن دنیا که بهترین دستگاه‌های تصفیه

1 Milton Friedman

2 Richard Rosecrance

3 Steven Paul Jobs

آب و هوا را می‌سازد، در یکصد شرکت جهان نمایندگی دارد. سهامدار دارد. مصرف کننده دارد؛ اما بخش عمده‌ای از سهام آن مربوط به یک یهودی ساکن سرزمینهای اشغالی فلسطین است. آیا این شرکت به عنوان یک دولت مجازی می‌تواند تعدادی شهروند در ایران، عراق، افغانستان، کویت، ... یا سایر کشورهای مسلمان که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند، داشته باشد؟ هرگز! چون در اینجا مرزهای جغرافیایی، عقیدتی و سیاسی هستند که صد راه حرکت فرامرزی دولت مجازی می‌شوند.

۴-۲. نفی حاکمیت متقابل

دولت مجازی هیچ تفاوت ماهوی با دولت لیبرال یا هر دولت مدرن دیگر ندارد (توحیدفام، ۱۳۸۲). قرن‌ها است که غرب هدف خود را رفاه اقتصادی قرار داده و دستیابی به آن را در گرو استعمار دانسته است. استعمار در همه اشکال کهن نو و فرانو، قائل به نفی حاکمیت ملی است. دولت مجازی در فضای جایگزینی قدرت اقتصادی بعد جنگ جهانی دوم به جای قدرت نظامی قبل جنگ جهانی دوم، به میان آمد. تا با ابزار قدرتمند اقتصاد، مستعمره‌های دیروز و بازارهای مصرف امروز را حفظ کند و آن را بسط دهد. در واقع در دولت مجازی یک جهان وطنی، اتفاق می‌افتد که اجزای ملی به عنوان مصرف‌کنندگان کالاها، گوش به فرمان حاکمان دول مجازی هستند. بدین منظور، توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، سبب آسان و انبوه شدن تولید، قابلیت دسترسی به کالا و خدمات، کاهش هزینه حمل و نقل کالا و مسافر می‌شود. همچنین تداوم حاکمیت فناوریانه باعث افزایش تحرک جمعیت، سرمایه و دانش، در یک دولت واقعی می‌شود (دولور، ۱۳۷۱)^۱؛ و همین مسئله نیز در دولت مجازی اتفاق می‌افتد. همه‌ی دولت‌های مجازی اعم از اینکه سازمان مردم‌نهاد، شرکت سهامی یا یک برند معتبر بین‌المللی باشند فرقی ندارد. آن‌ها نیز به هماهنگی، توسعه فناوریانه، سرمایه و دانش بشری نیازمند هستند. مهم‌تر از همه نیازمند تعداد انسانهای متصل به شبکه. مصرف‌کننده، سهامدار، کارمند، کارگر، مهم نیست. مهم این است که تعداد دنبال‌کنندگان آن‌ها روبروز بیشتر و بیشتر شوند. به همین سبب، معمولاً کشورهای پیش‌گفته در بعد تهدید و تحدید حاکمیت ملی، نگاه مثبتی به توسعه و گسترش این‌گونه دولت‌های مجازی ندارد. توجه کنید به بنیادها و سازمانهای مردم‌نهادی که بسیار غیردولتی و گسترش یافته هستند. به محض اینکه از حدی بگذرند که حاکمیت احساس کند محبوبیت و مقبولیت آن‌ها به سمت و سوئی می‌رود که باعث خطر رقابت با حاکمیت دولت می‌شوند، به بهانه‌های مختلف آن‌ها را یا کوچک می‌کنند یا منحل می‌کنند یا تصاحب می‌کنند؛ بنابراین جدال حاکمیت‌ها در دولت مجازی، اجتناب‌ناپذیر، مستمر و چالش برانگیز خواهد بود (گریفیتس، ۱۳۹۰)^۲.

1 Jacques Delors به فرانسوی: ژاک لوسین ژان دولور

2 Martin Griffiths

۳-۴. محوریت غربی، ایرانی

دولت مجازی، ماهیتی غیرملی و هویتی غیردینی، دارد و از این رو با ماهیت ایرانی اسلامی- انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مغایرت می‌یابد، به علاوه، دولت مجازی دارای ماهیتی تهاجمی یک‌سویه است و ارزش‌های غربی را از طریق سوءاستفاده از نیازهای اقتصادی و ارتباطی مردم ترویج می‌کند (امیدی، ۱۳۹۲). دولت مجازی در ایران، نمی‌تواند و نباید ادامه منطقی دولت تجاری استعماری در یک محیط امن‌تر سیاسی باشد، در واقع ایران انقلابی با دولت مجازی که معادل سیاسی شرکت‌ها و مؤسسات مجازی چندملیتی هژمون شده بر جهان است ذاتاً تضاد دارد. در دولت مجازی ایرانی اسلامی، حوزه‌های امنیتی و نظامی به نفع حوزه‌های مالی و اقتصادی، مصادره نمی‌شود. در فضایی که ایران در دولت مجازی دنبال می‌کند، یک تجدید سازمانی مکانی و درعین حال ماهوی ایجاد می‌گردد. فضای نوینی برای کنش پدید می‌آید که به حوزه سیاست نیز کشیده می‌شود و می‌کوشد در دنیای جدیدی که دولت مجازی هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد از خطر منازعه بکاهد و امکان بیشتری بر پایه ماهیت اسلام و ایران برای همکاری و همزیستی فراهم آورد. در دولت مجازی برآمده از دنیای جدید، مناقشات بیشتر از نوع بحران‌های مدنی خواهد بود که میزان خشونت و ویرانگری آن‌ها بسیار کمتر است؛ زیرا دموکراسی اقتصادی - ارتباطی از این نوع بحران‌ها می‌کاهد و نیز به همین دلیل دولت مجازی مورد نظر جمهوری اسلامی با تکیه بر اسلامیت نظام به سوی فراسوی خواسته‌های نظامی و جدال بر سرسلطه سیاسی یعنی برخورداری از سهم بیشتر در تولید و محصولات جهانی در کنار تکیه بر عناصر فرهنگی بومی و ایدئولوژیک حرکت می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱).

۵. نتیجه‌گیری

نتیجتاً آنکه، از حدود ۶۰۰ سال پیش که شاه طهماسب صفوی اولین ساختار منسجم دولت - ملت را بر اساس سه رکن حاکمیت مقتدر، خطوط مرزی مشخص و جمعیتی تقریباً واحد را بنا نهاد تاکنون همه چیز تغییر کرده است. نه فقط چاپارخانه‌ها و یا کاروانسراهای بین راهی که یک نامه‌ی دست‌نویس بر روی پوست آهو، یک هفته طول می‌کشید تا از اصفهان به تهران برسد. یا جاده ابریشمی که از خراسان و سیستان و سمنان و تهران و اصفهان و شیراز و کرمان و همدان و شوش و تهران را به هم وصل می‌کرد تا راه‌آهن یک‌صد سال پیش و پل ورسک. همه چیز تغییر نموده است. ساختار دولت - ملت‌ها هم عوض شده است. اگر روزی یک دولت واقعی یا حاکمیت بلامنزاع را در سه رکن حکومت، ملت، مرز، می‌دانستند، امروزه بحث دولت‌های مجازی همه چیز را تغییر داده است. دیگر کسی محدود به مرزها نیست. دیگر برای اداره امور یک دولت، انتخاباتی برگزار نمی‌شود. مغزهای مغناطیسی در ابرایانه‌ها، نقش مجالس اعیان و عوام و اشراف و سنا و نمایندگان عادی را دارند و صبح تا شب فقط برنامه می‌نویسند یا همان قوانین حاکمیتی در دولت‌های مجازی. چکمه‌های سلیکونی در درون خودشان رمزهایی دارند

که هرکس فقط یک نقطه یا ویرگول را خطا بزند، تمام داروندارش به باد می‌رود. این دولت‌ها، به وسیله‌ی شایستگی اداره می‌شوند. شایسته‌سالاری در ذات این ساختارهای جدید نهفته است. رمز ارزها و دنیای بلاک چین را بنگرید. سازمان‌ها و ساختارهای منسجم پولی و سهام شرکت‌های بزرگ را نگاه کنید. شرکت‌های فعال در طراحی، تهیه و ساخت نرم‌افزارهای نرم و سخت، گوشی‌های تلفن همراه، رایانه‌های دستی و ثابت، سیستم‌های امنیتی، دوربین‌های مدار باز و مدار بسته، سیستم‌های کنترل ترافیک بار و مسافر، نرم‌افزارهای کنترل هوای شهرها و کنترل سلامتی آدم‌ها، روزانه تمامی حرکات و سکنات انسان‌ها، موجودات زنده بزرگ و کوچک، اجسام، ماشین‌آلات، حتی گردش خون انسان‌ها را تحت نظر دارند. نه اینکه فقط نگاه کنند! مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار می‌دهند. از آن‌ها اطلاعات و داده‌های مختلف تهیه می‌کنند. هر بخش از داده‌ها را با قیمت‌های نجومی به سیستم‌های پولی، مالی، امنیتی، رسانه‌ای، حتی دانشگاه‌ها و واحدهای آموزشی و فرهنگی می‌فروشند. آن‌ها نیز داده‌ها را دسته‌بندی و از هر دسته، اطلاعات متعددی را تفکیک و به گروه‌های کوچک‌تر تحویل می‌دهند و آن‌ها نیز به همین ترتیب. در دنیای شفاف دوربین‌های دیجیتال و میکروفون‌های میکروسکوپی که به صورت مداوم، همه چیز را می‌بینند و می‌شنوند، ما انسان‌ها واضح‌ترین و شفاف‌ترین تصویر و صدای درون این ادوات هستیم؛ زیرا این ادوات و سیستم‌هایشان، به صورت مداوم، از تحرکات مولکولی جهان تا جابجایی ابر سازه‌ها و ابر موجودات و ابر کشتی‌های میلیون تری و ابر پرنده‌های فلزی، از سردترین نقاط و سردترین اجسام گرفته تا گرم‌ترین جاها و داغ‌ترین گداخته‌های آتشفشانی را زیر نظر دارند. ما انسان‌ها آسان‌ترین محرک‌های درون این سیستم‌ها هستیم برای کنترل شدن. همانند شیرها که در جنگل توسط محیط‌بانان مورد حفاظت قرار می‌گیرند و یک قلاده الکترونیک به گردنش انداخته‌اند تا بدانند به کجا می‌رود و چه کار می‌کند. ما انسان‌ها، قلاده را با خودمان حمل می‌کنیم. در خانه، در محل کار، در رختخواب، در حمام، در آشپزخانه، در میهمانی، ... خلاصه یک لحظه از قلاده جدا نمی‌شویم. تلفن‌های هوشمند و همراه، قلاده‌ای دیجیتال هستند که نه فقط اطلاعات مارو به دولت‌های مجازی می‌دهند، بلکه اطلاعات هرکسی را که می‌بینیم و می‌شنویم یا می‌شناسیم را در اختیار سیستم‌های کنترلی دولت‌های مجازی قرار می‌دهند. دولت‌های مجازی بر اساس مرزها و رنگها و قاره‌ها تقسیم بندی نمی‌شوند. با پرچمها و سرود ملی‌شان این ور و آن ور نمی‌روند. جمعیشان مدام در حال تغییر جا و اندازه است. زیان مشترک همه‌ی دولت‌های مجازی یکی شده است. برعکس دولت‌های واقعی، دولت‌های مجازی سرزمین مشخص و محصور ندارند. برای سرکشی به شهروندان، نیاز به هوایما و قطار و مسافرت ندارند. در کسری از ثانیه، میلیون‌ها نفر از شهروندان یک دولت مجازی، دور هم جمع می‌شوند. هیچ همه‌مهم‌ای نمی‌کنند. همه دیده می‌شوند. به اندازه‌ی همدیگر. عدالت مطلق برقرار است. هیچکس بدون اجازه نمی‌تواند حرف بزند. جالب است که دولت‌های مجازی، مثل دولت‌های واقعی رنگارنگ است. دولت‌های واقعی در ۵ قاره گسترش یافته‌اند اما دولت‌های مجازی در قاره‌های متعددی گسترده شده‌اند. قاره سیاست، قاره اقتصادی، قاره ورزشی، قاره فرهنگی، محیط زیست و هنر. هر قاره از تعداد زیادی دولت

مجازی تشکیل شده است. مثلاً در قاره اقتصاد، رمز ارزها و بلاک‌چین و سهام شرکت‌ها هر کدام یک دولت مجازی هستند. بیت‌کوین یک رمز ارز گسترده است که از آمریکا و وال استریت تا شرق دور و سنگاپور از اورال تا سیلان از سومالی تا فنلاند از چابهار تا ماکو، از سرخس تا خرمشهر، در تمامی جهان مردمی هستند که تحت حاکمیت دولت مجازی بیت‌کوین هستند. مردم دولت مجازی رمزارز زبان مشترک دارند. ساعات مشترک ندارند. رمز مشترک هم ندارند. آن‌ها بوسیله ارزش لحظه‌ای بیت‌کوین زندگی می‌کنند.

دولت‌های مجازی در شکل و ماهیت با دولت‌های واقعی متفاوتند. صلاحیت و شایستگی دولتمردان در دولت‌های واقعی را به راحتی می‌توان جعل نمود (لشگری تفرشی، ۱۳۹۷). نادیده گرفت. نالایقان را جای صالحان بر مسند قدرت در دولت‌های واقعی نشانند و شایستگان را در قعر جدول لیاقت؛ اما در دولت‌های مجازی همه چیز شفاف است. هر کسی سر جای خودش، به وقتش، به اندازه‌اش و مرتبط با خودش فرصت عرض اندام و عرض گفتار و عرض رفتار را دارد.

تفاوت دولت مجازی با دولت واقعی این است که از شهروندانش متولد نمی‌شوند. آن‌ها ساخته و پرداخته می‌شوند و سپس در یک دولت مجازی، حق شهروندی می‌گیرند. از ابتدا برای سعادت دنیوی تلاش می‌کنی. در دولت‌های مجازی، کسی را به خاطر آخرت، ارشاد و راهنمایی نمی‌کنند. در دولت‌های مجازی بهشت و جهنم در همین دنیاست. اعدام در دولت‌های مجازی، لاک شدن و محو شدن از صفحات مجازی یا لینک اعضا یا گرفتن سهام یا حق عضویت در گروه و دسته و سازمان و شرکت و بنیاد و خلاصه دولت مربوطه است. در دولت مجازی کسی رهبر و رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزیر و وکیل و قاضی را نمی‌شناسد. هر کسی ممکن است یک روزی رهبر بخشی از دولت مجازی شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷). بستگی به خود شهروند دارد. هیچ مانع و رادع مافیایی وجود ندارد. رشوه داده نمی‌شود. اگر داده یا گرفته شود، شفاف و قانونی پرداخت می‌شود؛ و همه از آن اطلاع دارند. مثلاً خریدن آرا سهامداران. شایسته‌سالاری در یک کلام دولت مجازی مسئله‌ای نیست که کسی بدان بیاندهد؛ زیرا در دولت‌های مجازی چنین کلمه‌ای تعریف نشده است. وقتی همه چیز شفاف و روشن باشد و همگان از همه چیز اطلاع داشته باشند. هر کس به اندازه‌ی توان هویتی خویش، لیاقت شهروندی را دارد. پس چیزی به اسم شایسته‌سالاری یا نخبه‌کشی، آنقدر دور از ذهن و عادی در مسیر حرکت سیستم‌های دیجیتال در حال حرکت است که کسی بدان نمی‌اندیشد.

منابع

- مرتضوی، سیدحسین، ۱۳۸۰. دولت‌های مجازی-اینترنت و حدود و ثغور دولت-ملت، نشر مطالعات ملی ایران.
- روزکرناس، ریچارد، ۱۳۷۹. جهانی‌شدن و تحول مفهوم کشور، ترجمه احمد صادقی.
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶. اصول و مفاهیم ژئوپلتیک مشهد، انتشارات پاپلی،.
- نراقی قاسمی، علی اصغر، ۱۳۹۱. شورای همکاری خلیج فارس، دفتر مطالعات بین الملل، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- فرجی، محمدرضا، تئوری سیستم‌های انطباقی، فصلنامه علمی سیاست، پائیز ۱۳۹۶، دوره ششم شماره ۳، ص ۱-۱۵.
- روزکرناس، ریچارد، (تألیف ۱۹۷۴). مشکل دولت- حزب، ترجمه علیرضا بستان زاده، نشر پاپلی.
- شاه ویسی، سهیلا، ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی سیستمها از منظر ریچارد روزکرناس و مورتون، کنفرانس ملی علوم انسانی .
- قنبرلو، عبدالله، اقتصاد لیبرال، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵، دوره ۳ شماره ۱، ص ۲۱-۳۹.
- رحمت الهی، حسین، دولت‌های مجازی در عصر جهانی‌شدن، ماهنامه علمی حقوق، ۱۳۹۰، دوره ۸ شماره ۱۸، ص ۵۳-۸۰.
- سلیمی، حسین، دولت‌های مجازی، بررسی نظریه ریچارد روزکرناس، مجله حقوق و سیاست، سال ۷ شماره ۱۷، ص ۲۰-۳۳.
- فریدمن، میلتون، چرا دولت مشکل است، ترجمه سوسن جدی نشر باران، ۱۹۹۳.
- روزکرناس، ریچارد، جولای ۱۹۹۶. ظهور دولت مجازی، افول قلمروگشایی، ترجمه سوسن جدی.
- توحیدفام، دکتر محمد، ۱۳۸۲. دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن، انتشارات روزنه.
- دولور، ژاک، همنازی تازه اروپا، ترجمه عباس آگاهی، تهران، انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۱.
- گریفیس، مارتین، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، ۱۳۹۰.
- امیدوی، علی، امنیت و توسعه پایدار و حکومت‌های محلی در ایران، فصلنامه تحقیقات، ۱۳۹۲، شماره ۴، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- مجتهدزاده، پیروز، فلسفه ژئوپلتیک، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

- لشگری تفرشی، احسان، تکوین حکمرانی متمرکز در ایران، فصلنامه دانشکده حقوق، شماره ۱۶، ۱۳۹۷، ص ۳۹-۷۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، تحول در نظریه‌های منطقه گرانی، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره سوم، شماره ۱، خرداد/تیر ۱۳۹۷، ص ۹۹-۱۱۶.
- شیرودی، محمدسجاد، دولت مجازی در جمهوری اسلامی ایران و ارتقا مشروعیت و کارآمدی سیاسی، فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی، پاییز ۱۴۰۰، دوره ۱۰ شماره ۳، ص ۳۵-۵۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Modern meritocracy in virtual states

Abstract

Today, the issue of virtual states has been widely criticized. In domestic academic research texts, we have not yet reached the definition of the necessary standard and accurate analysis and critique of the virtual states. Unfortunately, not enough translated texts can be found from foreign legal and political analyzes at the domestic academic level. Not that it is not! Yes, but not enough. Finally, the concept of virtual states has been seriously challenged since states themselves became skeptical of their virtual achievements in exercising sovereignty in society. One of these super-challenges has been and is the discussion of the use and abuse of power and the very fragile position of the virtual government in connection with the discussion of the opposition of people's freedoms and national security.

Virtual states needs a coherent and interconnected structure that has the four pillars of ethics, communication, economics and oneness in all its dimensions. The Global Green Village is a cohesive, prosperous, and ethical world driven by digital cameras, high-speed Internet, powerful processors, and regular software applications. Its enemies are malicious malware that is designed by the evil thoughts of information thieves and by affecting the functioning of all electronic devices of offices, banks, people, security and information systems, media, etc. first target the morals and identity of the people, then They pocket it and then destroy public safety systems.

In this article, with a brief look at the changes that have taken place in the existing systems of governance that are advancing on the path of excellence and virtualization, we take a look at the position of modern meritocracy in virtual sraes.

Keywords: The virtual superpower - Silicone boots - Computer prisons - Criminal malware.